



ارائه شده توسط:

سایت ترجمه فا

مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده

از نشریات معتبر

فساد به عنوان یک فرایند سازمانی: درک منطق انحراف فساد

1 مقدمه

در مقالات مرتبط با فساد، فساد به صورت رایج به عنوان فعالیت یک فرد، فعالیتی نامناسب یا فعالیتی تعریف میشود که نسبت به پارامترهای مشخص یا ارزشهای اجتماعی که به صورت نسبی در اجتماع یا یک گروه پذیرفته شده اند، منحرف شده است. این تعریف این امکان را فراهم میکند تا متوجه شویم که، فراتر از عدم تناسب رفتار یک فرد، تحت شرایط خاص، رفتاری حساب شده و منطقی را هم میتوان به عنوان فساد در نظر گرفت. به بیان دیگر، فساد، از این دیدگاه تحلیلی، تصمیمی است که فرد در طول یک تراکنش با دیگر افراد یا گروه‌هایی از افراد اتخاذ میکند تا (به صورت ناروا) از یک جایگاه خاص در این ارتباط یا تراکنش، سود ببرد. این دیدگاه فردی بر پایه‌ی یک نقطه‌ی آغازین شکل میگیرد: این که فرد به صورت گسترده، شرایطی که در آن قرار دارد را شناخته و درک کند و به صورت منطقی به این نتیجه برسد که رفتار فاسد برای وی موجب فراهم شدن منفعت یا راحتی میشود. به این طریق، یک مدل تعاملی بسیار خاص بین عامل‌ها شکل میگیرد که به صورت آگاهانه برآورد‌ها را انجام داده و اقدام میکنند، و عواقب آن را با منطق و قصد مشخص اندازه‌گیری میکنند. به این روش، زمانی که تاکید بر روی افرادی که شرایط را برآورد میکنند که اساسا متناسب با این توانایی برآورد، عمل میکنند (یعنی بر اساس رفتار آگاهانه) قرار میگیرد، فساد به عنوان یک تصمیم تعریف میشود که توسط افراد تحت زمینه‌ی ارزشی خاص و ویژه، اتخاذ میشود. در این منطق از آگاهی و افرادی که شرایط را برآورد میکنند، ما میتوانیم چندین چیز را استنباط کنیم: نخست این که، فساد در روابط اجتماعی اجتناب‌ناپذیر میباشد، زیرا ریشه در برآورد‌های عوامل منطقی دارد. دوم این که، دعوا در اصل موضوعی از تاثیر بر روی تعادل بین هزینه و مزایایی است که افراد میتوانند برآورد کنند.

مهم‌ترین موضوعی که باید در این مقاله در نظر گرفت، این است که این دیدگاه فردی به صورت غیر قابل باوری محدود میباشد، نخست این که توانایی آن برای درک پدیده به صورت کلی و دوم، برای پیشنهاد راه‌های طولانی

مدت، محدود میباشد. هدف مهم این سند این است که از طریق مرور مقالات در مورد فساد سازمانی، نشان دهیم که فساد پدیده ای نیست که افراد وارد روابط محتاط شوند، بلکه بیشتر یک پدیده ی متراکم اجتماعی میباشد. به بیان دیگر، فساد نوعی رابطه ی اجتماعی میباشد. و این منطق اجتماعی برای فساد در بخش خصوصی و بخش عمومی درست میباشد، ازین رو این مقاله تفاوت خاصی بین این دو حوزه در نظر نمیگیرد. از نقطه نظر این مقاله ی سازمانی در مورد فساد، ما تلاش داریم تا به صورت مناسب مشخص کنیم که فساد چگونه میتواند به عنوان یک روند اجتماعی با مراحل و روند های مختلف و توجیهات مختلف، به هنجار تبدیل شود.

این بحث از طریق تحلیل نحوه ی تاکید فساد در گروه ها و فضا های اجتماعی که تصمیم گیری و رفتار های مختلف وجود دارد، و بررسی مطالعه های موجود در این زمینه، توسعه پیدا میکند. به این روش، ما به تشخیص های بسیار متفاوتی میرسیم و نتیجه گیری های مختلفی را مشاهده میکنیم، که بیشتر زمان ها نسبت به دیدگاه فرد گرایانه بر خلاف غریزه و یا روال معمول میباشد. ازین رو نقطه ی حرکت ما، بر این اساس است که فساد در جهان روابط اجتماعی ایجاد شده و گسترش پیدا میکند، زیرا در این محیط افراد، عوامل آن ها، رفتار آن ها به شدت به هم مرتبط بوده و تحت تاثیر تعامل ها و زمینه ای است که آن ها در آن نقش آفرینی میکنند و تصویر خودشان و میل خودشان را ایجاد میکنند. این رفتار محصولی است که منطقی، احساسی و ارتباطی میباشد، که در آن تعامل ها و قوانین و ساختار هایی وجود دارد که رفتار مردم در آن زمینه اهمیت پیدا میکند. در این مقاله، ما دیدگاه های چینبال و ساندرز را دنبال میکنیم که بر اساس آن فساد به عنوان یک "طبقه بندی به دست آمده در اثر مذاکره از رفتار به عنوان یک کیفیت ذاتی بر خود رفتار" تعریف میشود. به بیان دیگر، مفهوم فساد یک ساختار اجتماعی خاص از اجتماع است، که در استاندارد های موهومی اش، تلاش کرده است تا در شفاف ترین و مشخص ترین راه ممکن، بخش عمومی را از بخش خصوصی جدا کند. تنها راه ممکن برای یافتن تعاریفی که فساد را نشان دهد، به عنوان مثال میتواند سو استفاده از جایگاه سازمانی برای به دست آوردن منافع به صورت غیر قانونی باشد. این تعریف کلاسیک به صورت ضمنی در مورد تمایز شفاف فواید خصوصی نسبت به فواید گروهی و جمعی سخت میگوید؛ ذات اصلی تعریف های معاصر مختلف نسبت به فساد، در همین زمینه دیده میشود.

برای بحث کردن در مورد بار های سنگین اجتماعی و هنجاری که تعاریف کلاسیک فساد در خودش دارد، مورد زیر اهمیت زیادی دارد. بیان کردن این که فساد یک فعالیت اشتباه است، نیازمند تعریف مورد زیر میباشد : برای چه کسی این فساد اشتباه است؟ در چه زمینه ای یک دیدگاه مبتنی بر ایده ی "اشتباه بودن" ، نشان میدهد که یک پارامتر خارجی، شفاف و منطقی وجود دارد که یک فرد و یک گروه را در بر گرفته و به صورت شفاف نشان میدهد که چه رفتاری درست و چه رفتاری غلط میباشد. حتی در صورتی که این موضوع توجیه پذیر بوده و درک آن آسان باشد، در عمل به راحتی نمیتوان آن را پذیرفت. به عنوان مثال، در صورتی که تعریف در مورد یک فعالیت اشتباه کاملا شفاف باشد، سپس خلاف این تعریف نیز باید کاملا به صورت شفاف مشخص باشد : شما چگونه میتوانید یک وضعیت بدون فساد را تعریف کنید؟ جواب دادن سوالاتی از این قبیل کار راحتی نیست، ازین رو ما تلاش کرده ایم تا تعاریفی را ایجاد کنیم که در مورد پدیده ی فساد نباشد، بلکه نشان دهنده ی بعضی از ویژگی های آن باشد. مردم تلاش کرده اند تا تمایزات مشخصی در مورد فعالیت هایی که فواید قانونی را ایجاد میکنند نسبت به فساد، شناسایی کنند (به عنوان مثال، استفاده از برنامه های راهبردی سیاسی برای افزایش سطوح در سازمان برای به دست آوردن پول و منزلت بیشتر قانونی بوده، اما کمک کردن به یک خویشاوند در سازمان قانونی نیست). یک فرد میتواند نسبت به تضاد منافع ظن داشته باشد ؛ به عنوان مثال، در صورتی که آن ها چندین سال با کسی دوست باشند، اکنون در جایگاه جدید، ممکن است به صورت منفی این شرایط بر روی قضاوت آن ها تاثیر داشته باشد. از نظر اجتماعی، مذاکره های مفهومی به صورت ضمنی نشان میدهد که افراد این احتمالات را حداقل در سه گام پیچیده، ارزیابی میکنند : نخست، در صورتی که دوستی قدرت تاثیر را داشته باشد، دوم، این که آیا تاثیر بیان شده میتواند به صورت شفاف غیر قانونی بوده و یا تنها حالت نا مناسب دارد (از نظر عامل های مشخص) و سوم این که، عواقب این تاثیر را برای خودش تعریف میکند. هر کدام از این گام ها به صورت ضمنی نشان دهنده ی انعکاس قوی و درکی از زمینه از طرف عامل (فرد) میباشد. این شرایط این امکان را فراهم میکند که پیشنهاد دهیم که تمام تعریف های مرتبط با فساد ذاتا، تلاش دارند تا طبقه بندی رفتار ها را مورد مذاکره قرار دهند، و به این نظر هستند که طبقه بندی ها نشان دهنده ی ذات این طبیعت میباشد.

به همین روش، یک گروه فساد و یا یک زمینه ی سازمانی را میتوان قبل از رسیدن یک فرد مشخص به سازمان، اجرا کرد. روابط اجتماعی فساد میتواند در سازمان شکل گیرد بنابراین قبل از آمدن فرد این فساد حالت هنجار به خودش میگیرد و حتی میتواند به صورت یک قانون سازمانی برای کل گروه، تبدیل شود. ازین رو در مورد سازمان ها، یک فعالیت فساد میتواند توسط یک گروه خارجی به عنوان یک انحراف تحت پارامتر های خاص در نظر گرفته شود، اما کسانی که داخل این زمینه ی فساد قرار دارند ممکن است فکر کنند که این فعالیت به عنوان یک هنجار و یا فعالیت غیر فساد میباشد.

کسی که در فضا های اجتماعی مانند یک سازمان قرار گرفته است، و در این زمینه، منطق گروهی یک سری از احتمالات و شرایط را بر روی افرادی که خودشان را در این فضا های اجتماعی قرار میدهند، تحمیل میکند. به عنوان مثال، مقالات مهمی در این زمینه در مورد انسان شناسی، فرهنگ و منطق استدلالی فساد وجود دارد. حالت پنهان کاری در سازمان ها به عنوان مثال، مرتبط با قرار داد هایی است که گروه های مشخص را تنظیم میکند که این گروه ها میدانند چه اطلاعاتی را در دست داشته و علت آن چه میباشد. قوانین و هنجار ها، شرایط رسمی و غیر رسمی، در گروه یا گروه ها، این حالت هنجاری از روابط را ایجاد میکنند که تنها تحت قوانین خارجی مرجع که این حالت پوشیدگی را ایجاد میکند، ممکن است به عنوان فساد در نظر گرفته شود. تراکم اجتماعی این فساد موجب میشود که تحلیل این مباحث مطرح شود، حتی موارد بر خلاف غریزه و یا روال معمول، مانند آن هایی که نشان میدهد افراد متهم به فساد میتوانند این ادعا را داشته باشند که نمیدانستند کاری که انجام میداده اند، فساد و کار بدی تلقی شود.

این مقاله روش های مختلفی را مورد استفاده قرار داده است: یک مروری بر روی مقالات سازمانی در مورد فساد انجام داده است که در زمینه ی مبحث مورد نظر ما، مقالات کمی شناخته شده است. این روش این فایده را دارد که یک سری از مفاهیم و مباحث را معرفی میکند که در زمینه ی فضای فساد کمتر مورد بحث قرار گرفته است و بیشتر در مورد بحث های ابزاری و هنجاری بوده است. این روش انتخاب شده اما، مضراتی هم دارد: مهم ترین آن، کمبود مطالعه های تجربی میباشد. ما بعضی از این مطالعات را در جاهای دیگر توسعه داده ایم. اما، ما امید داریم که این مقاله موجب

افزایش و تسریع علایق برای ایجاد مطالعه های تجربی بیشتر، به خصوص در مورد فساد در آمریکای لاتین و مکزیک، بشود.

مطابق با آن چه گفتیم، از مرور مقالات در مورد فساد سازمانی، این مقاله نشان میدهد که در صورتی که ما میخواهیم با فساد در سازمان ها یا گروه های سازمانی مبارزه کنیم، باید برنامه های راهبردی که نشان میدهد فساد نوعی برآورد فردی برای رسیدن به سود و منفعت است را در نظر بگیریم. فساد که به عنوان یک پدیده ی مترکام اجتماعی و محصلی از روابط اجتماعی میباشد، نقطه ی اتصال است نه نقطه ی جدایی. برای یک عامل (فرد) در این منطق، برای طبقه بندی و درک کردن یک فعالیت خاص، و برای این که بتوان آن فعالیت را به عنوان کاری صادقانه یا غیر صادقانه طبقه بندی کرد، به صورت ضمنی این فرد باید این کار را با توافق ها و فعالیت های شکل گرفته در یک گروه مقایسه کرده و هنجار های فعالیت روزانه خودشان را در آن زمینه در نظر بگیرد. خارج کردن فساد از حالت هنجار، به نظر مهم ترین برنامه ای میباشد که به صورت کامل این ساختار جمعی فساد و فعالیت هایی که مخل آن هستند را درک میکند.

این مقاله شامل 5 بخش است که شامل این مقدمه میباشد. در بخش 2، ما در مورد سازمان به عنوان یک روند اجتماعی صحبت میکنیم که شبکه ای از نقش ها، معانی و هنجار ها را ایجاد میکند که در کل هنجار های سازمانی را ایجاد میکنند. این حالت هنجاری اجتماعی ایجاد شده در این فضا، در جستجوی ایجاد معنی از رفتار افراد، سازمانی را نشان میدهد که شامل روند های تعاملی است که تلاش دارد تا افراد را در پویایی خودش، اجتماعی کند و شامل تعامل هایی مانند فساد هم میباشد (قسمت 3). قطعاً، ممکن است این موضوع مخالف باور های قبلی باشد اما روند اجتماعی شدن همچنین برای پدیده هایی مانند فساد نیز صدق میکند، زیرا در این روند ها افراد فعالیت های خودشان را با معنی کردن آن ها در طرح های سازمانی، توجیه میکنند. این توجیه به افراد این امکان را میدهد تا ناسازگاری های ادراکی خودشان را کاهش دهند و احساس شرم و بیم آن ها پیش از احتمال انجام کار غلط، کاهش پیدا میکند (از طریق الگو های مشخص داخلی و خارجی در یک سازمان). در بخش چهارم نیز ما توضیح میدهم که این روند های منطقی سازی و اجتماعی سازی چگونه میتواند یک دینامیک پایدار در زمان را ایجاد کند که طرح خاصی از روابط

را ایجاد کرده و آن‌ها را تقویت میکند و گونه‌ی از لغزش را ایجاد میکند که افراد بیشتر و با تکرار بیشتر در شبکه‌های فساد وارد شده و در آن‌ها گیر میکنند. آن‌ها حالت توجیه شده نداشته و بخشی از طرح سازمانی به عنوان یک رفتار هنجاری میشوند، اما همچنین حالت عمومی پیدا میکنند. در این شرایط، میتوان در مورد سازمانی صحبت کرد که فساد در آن به عنوان یک هنجار و فعالیت توجیه شده، تبدیل شده است (دارای فعالیت‌های هنجاری میباشد که در زمینه‌های دیگر توسط دیگر افراد به عنوان فساد در نظر گرفته میشود). در بخش آخر نیز ما بعضی از جمع‌بندی‌ها در مورد تاثیر بحث هنجار شدن فساد سازمانی بر روی برنامه‌هایی برای مبارزه با فساد صحبت میکنیم که تمرکز و نگرانی جامعه‌ی امروزی است.

سازمان‌ها با افراد فاسد یا سازمان‌هایی فاسد؟

علل این که یک فرد فعالیت‌های ناصادقانه انجام میدهد، متفاوت و متعدد میباشد. فساد در واقع یک فعالیت اجتماعی است: یک فرد همیشه در زمینه‌ای که روابط روانی، تجارب و ارزش‌ها و تعامل‌های اجتماعی که در زندگی‌اش وجود دارد تصمیم میگیرد فاسد باشد یا کارهای ناصادقانه انجام دهد (ما بعداً مشاهده خواهیم کرد که بین این دو تفاوت‌هایی وجود دارد) که همه‌ی این موارد بخشی از این معادله میشود.

برگر و لاکمن (1978) در رابطه با نحوه‌ی شروع تعامل‌های انسانی بسیار شفاف توضیح میدهند و یک منطق اجتماعی را برایش بیان میکنند: تعامل‌ها موجب اتصال بین افراد میشود. این اتصال‌ها میتواند چندین ثانیه و یا چند دهه به طول بینجامد. این اتصالات میتواند اتصالات پویای اجتماعی، معنی‌دار و یا پویایی خود سازمانی باشد: زمانی که این اتصالات بین افراد ایجاد میشود، آن‌ها تمایل دارند تا پایداری بیشتری داشته باشند و بتوانند با ارتباطات و اشتراک اطلاعات، با افراد بیشتری این اتصالات را ایجاد کنند، مثلاً از طریق اجرای روتین‌ها. در این زمینه، اجتماعی شدن نشان‌دهنده‌ی ایجاد و ساخت مجدد درک و در نهایت رفتاری است که افراد القا میکنند، درک میکنند و برای ایجاد کردن رابطه بین آن‌ها (یا چندین زمینه‌ی مختلف) بر اساس درک هر عامل دخیل، آن‌ها را شکل میدهند.

روند اجتماعی شدن، که در اصل یک روند موقعیتی و مشروط (مبتنی بر افراد و شرایط خاصی که در آن قرار دارند) میباشد که شامل المان های پایدار کننده میباشد، اما در نهایت این روند متغیر و اصلاح پذیر است. به همین دلیل، مکانیزم های اجتماعی شدن ممکن است چالش بر انگیز، مبهم و مخالف فرضیات ما باشد. آژانس ها و ساختار ها نیز تنها تفسیر میشوند و ازین رو هیچ تضمینی وجود ندارد که روند های اجتماعی شدن بتوانند دینامیک تعاملات را نادیده بگیرند. به بیان دیگر، روند های اجتماعی شدن میتواند واکنش های مختلفی را از عامل های مختلف دریافت کند و ازین رو میتوانند تاثیرات مختلفی را ایجاد کنند که برای افراد دخیل، غیر قابل پیش بینی باشد. این موضوع معمولاً در سازمان هایی شکل میگیرد که منطق فساد در آن ها دیده میشود : آن ها دارای فعالیت های اجتماعی و رفتار هایی هستند که موجب میشود افراد به سمت فساد پیش بروند و بیشتر مواقع ، عواقب غیر قابل پیش بینی و نامطلوب ایجاد میشود.

با در نظر داشتن این خط فکری، ما میتوانیم درک کنیم که در یک قالب خاص سازمانی، تعریف یک رفتار نا صادقانه چگونه به طبقه بندی و ساختار های موجود در آن سازمان مرتبط میباشد : یک رفتار توسط بعضی از افراد و در شرایط خاص، به عنوان رفتار ناصادقانه تعریف میشود زیرا از استاندارد های مشخص سازمانی (یا گروهی) تخلف کرده است که به صورت عمومی این استاندارد ها مقبول بوده است (همه ی این موارد الزاماً نشان نمیدهد که این توافق متفق القول بوده و یا از نظر همه یکسان است). مواردی که در این زمینه مورد بررسی قرار میگیرد ازین رو چندین برابر میشود : افرادی که از کاری که کرده اند دفاع میکنند و ادعا دارند که نمی دانستند کاری که میکنند فساد تلقی میشده است، فعالیتی که در زمینه های مشخص فساد بوده و در زمینه هایی دیگر به عنوان فساد در نظر گرفته نمیشود ؛ همچنین فعالیت هایی که به صورت موقتی قابل قبول بوده اما در شرایط خاص دیگر به عنوان فعالیت درست تلقی نمیشدند.

مطالعه و درک این که معانی و این روند های اجتماعی و سازمانی چگونه شکل گرفته اند، به خصوص در صورتی که قصد ما بررسی کردن نحوه ی هنجاری شدن فعالیت هایی مانند فساد باشد، اهمیت زیادی دارد. ما میتوانیم با در نظر گرفتن سازمان ها به عنوان ساختار های اجتماعی شامل افرادی که به روش خاص در این زمینه فعالیت میکنند، کار

خودمان را شروع کنیم . این رفتار مبتنی بر ترکیبی از بارها و شرایط فردی در مورد هر فرد و روابط فرد با دیگر افراد در قالب سازمان با سطحی از رسمیت و درجه ی خاصی از تسلط که موجب یکپارچه شدن روابط با هدف خاص بوده که در این قالب کاری شامل درجه ای از هنجار و مقبولیت میباشد. در هر شرایط، در قالب های کاری سازمانی، افراد افکار و مقاصد خودشان را در قالب های کاری منعطف ، توجیه و اجتماعی کرده اما این روند شامل رفتارها به هدف خاص در زمینه های خاص نمیشود. به همین علت افراد سازمان ها را تشکیل میدهند اما سازمان ها مهم تر از افرادی هستند که سازمان ها را شکل میدهند : آن ها مجموعه ای از روابط بین افراد، جوامع و گروه ها و ارتباطات فردی هستند که نخست حالت تصادفی داشته و به مرور زمان پایدار میشوند.

این مقاله، از سری مقالات ترجمه شده رایگان سایت ترجمه فا میباشد که با فرمت PDF در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است. در صورت تمایل میتوانید با کلیک بر روی دکمه های زیر از سایر مقالات نیز استفاده نمایید:

لیست مقالات ترجمه شده ✓

لیست مقالات ترجمه شده رایگان ✓

لیست جدیدترین مقالات انگلیسی ISI ✓

سایت ترجمه فا ؛ مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده از نشریات معتبر خارجی